



# گاوها فساد نمی کنند

ماهنامه سراسری  
اجتماعی-سیاسی  
«میدان آزادی»  
شماره: ۵  
تیر ماه ۱۴۰۲  
تومان ۸۰۰۰



## هشدار زلزله؛ مهر قرمز بر روی سند خانه‌های کهریزک



تحلیل ماهنامه میدان آزادی از سبک بینش و حرکت دهه هشتادی و دهه نودی ها

# انقلاب خاموش «جنزی» ها

صفحه ۱

**روز خبرنگار**

## جرم: تشویش اذهان مسئولان

صفحه ۳



**\*میدان آزادی\*** اشغالگری فقط به زور حمله و اسلحه نیست بلکه می توان به روش افغان های غیرمجاز کشوری را اشغال کرد. احمد وحیدی وزیر کشور در واکنش به مصاحبه سیدهادی کسایی زاده روزنامه نگار گفته که پنج میلیون افغان مهاجر در ایران تهدید محسوب نمی شوند! اما کسایی زاده گفته شما نه آمار دقیقی دارید و نه حتی یک بار در قلمرو افغان های مهاجر در جنوب تهران و برخی شهرها مشاهده شدید. من با آمار با شما صحبت می گویم؛ ۱۰ هزار میلیارد تومان هزینه دانش آموزان افغان، ۱۴۰۰ میلیارد تومان هزینه دانشجویان، ۱۵۰ هزار یومه سلامت افغان ها، ۸۰ هزار کودک حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع، اشغال ۳ میلیون فرصت شغلی، خروج سالانه ۲۸۰ هزار میلیارد تومان پول از کشور، هزینه ۲۸۰ میلیاردی نگهداری از ۶ هزار زندانی افغان، و تسخیر خانه ها در جنوب تهران و عامل افزایش قیمت مسکن و مصرف روزانه مواد غذایی ایرانیان با استفاده از یارانه دولت و هجوم کودکان کار در خیابان های بخشی از آسیب اجتماعی افغان های مهاجر غیرقانونی در کشور است. ما نژاد پرست یا دشمن افغان های نیستیم. آنها برادران مسلمان ما هستند اما در جهان چیزی بعنوان ممنوعیت قاچاق انسان داریم و هر افغان که بدون مجوز وارد ایران شده باید اخراج شود. آقای وزیر این تهدید نیست؟

صفحه ۲

**۱۰ هزار میلیارد هزینه دانش آموزان افغان**  
**۸ میلیون افغان**  
**۱۴۰۰ میلیارد هزینه دانشجو یان افغان**  
**تسخیر روستاهای جنوب تهران**

**۶ هزار زندانی افغان**  
**اشغال سه میلیون شغل**  
**خروج سالانه ۲۸۰ هزار میلیارد پول از کشور**  
**«افغان سالاری»**

آزادی افراد فاسد، اصرار بر شباهت پراید و لندکروز، انتخاب یک عکاس بعنوان شهردار، حذف برنامه ۹۰، جلوگیری از ورود زنان به ورزشگاه، دستگیری هزاران شهردار و عضو شورای شهر، ریختن ماست بر سردختران و غیره... رومی شنوند نسبت به نسل های قبل تر دچار بهم ریختگی ذهنی و منطقی می شوند. برای مجزی هافیلترینگ اقدامی احمقانه محسوب می شود برای همین به آسانی راهکاری برای اثبات نگاهشان پیدا می کنند تا نشان دهند که فن آوری و توسعه توقف ناپذیر است. آنها دارای بلوغ زودترس فکری و جنسی هستند و شاید نسبت به بسیاری از مسئولان کشور تحلیل داده و محتوادرند و بهتر از آنها می توانند سخن بگویند. بدیهی است اگر جنزی ها تصمیم جمعی و حرکتی را آغاز کنند نسل Y با آنها همراهی خواهد کرد. برخلاف نسل قدیم که نسل Y با آنها همراه نبود. در کشوری که همچنان نسل X (نسل قبل از Y) بر آن مدیریت می کند و هنوز نوبت به مدیریت نسل Y نرسیده این پیش بینی دور از ذهن نیست که جنزی ها مدیریت آینده کشور را به دست بگیرند. وقتی یک نسل از مدیریت کشور محروم شود و نسل جدید وارد میدان شود پوست اندازی دردناکی در پیش خواهد بود. در این میان کاملاً تسلیم وزارت ورزش و جوانان را شاهد هستیم.

پنهان است اما از درون این انقلاب بال و پر گرفته و در حال رشد است. انقلابی که به دنبال براندازی نیست بلکه تلاش دارد دنیای جدیدی را در ایران شکل دهد. آنها در فضای آن لاین با هم زندگی می کنند بخش دیگری از تعاملاتشان در پارک ها و کافی شاپ هاست و با طرح ها، نقاشی ها، موزیک های خیابانی، کنسرت ها، کامنت ها، توئیت ها، لایک ها، خریدها، آرایش و ادبیات خاص شکل می گیرد. آنها نسلی درون گرا هستند که در جامعه همسوی خود برون گرا خواهند شد. این نسل به اتحاد و همدلی و زندگی اجتماعی باور و اعتقاد دارد و می خواهد تا کشور توسط افراد متخصص و بر اساس اصول و منطق مدیریت شود. جنزی ها هر چیز غیر قابل هضم رانمی پذیرند و باید برای هر حرکت، اقدام، گفتگو، تصمیم یک منطق داشته باشد. آنها معتقدند که دولت ایران دولتی غیر اصولی و غیر منطقی است که بر مدار اشتباه حرکت می کند. آنها با مشاهده اخبار روز ایران لبخندی می زند چرا که موفقیتی هایی که دولت مردان به آن افتخار می کنند را یا بازی کرده و یا بهتر از آن را در اخبار فضای مجازی کشورهای توسعه یافته دنبال کرده اند. بعنوان مثال وقتی در تیترا اخبار ایران امحای مرغ های فاسد وارداتی از ترکیه، فیش حقوق ۱۰۰ میلیونی نماینده مجلس، احتکار، زندان خبرنگاران،

## انقلاب خاموش جنزی ها جوانان دهه ۸۰ و ۹۰ ایرانی

سیدهادی کسایی زاده  
مدیر مسئول و سردبیر

نسل اواخر دهه ۵۰ و دهه ۶۰ که به نسل Y معروفند امروز به نسلی خاموش و پر دغدغه و به دور از امید تبدیل شده اند. این نسل در ایران اتفاقاتی مانند هشت سال جنگ تحمیلی، تحریم ها، ایران بدون فن آوری، ترورها، اعتراضات، خشونت ها، دعوای سیاسی، شکست و موفقیت در انتخابات، سوء مدیریت ها، سرخوردگی، رانت و فساد، تبعیض ها، اعدام ها، پارازیت و برخورد با دارندگان ویدیو و ماهواره، نبود فضا برای جشن ها و کنسرت ها و حتی کمبودها و فقر را تجربه کرده که امروز مادران و پدران نسل Z یا همان «جنزی» ها را تشکیل می دهند. نسلی که قرار است تمامی ساختارها را تغییر دهد. هر چند گروهی صرفاً نسل Z را نسلی متفاوت و طغیانگر و بدون پیش بینی عنوان می کنند اما این نسل تربیت یافته و الگو گرفته از نسل Y است. نسل Z را جوانانی تشکیل می دهند که در بیشتر اینترنت و دسترسی آزاد به اطلاعات در جهان و ماهواره رشد یافته و سواد رسانه ای و اطلاعات عمومی او از دنیای پیرامون بسیار بالاتر از نسل های قبل است. آنها زندگی امروز و فردای خود را با سبک و کیفیت زندگی سایر انسان ها در کشورهای توسعه یافته می سنجدند و وقتی در بسیاری از موارد به بن بست می رسند به دنبال علت می گردند. آنها اهل سرکوب شدن و ترسیدن و محافظه کاری نیستند و حرف و خواسته ای که دارند مبتنی بر حقوق شهروندی

و داشتن حداقل های زندگی شهروندی یک فرد در جهان توسعه یافته است. نسل Z درک این موضوع که مثلاً یک فرد بی سواد و بدون تخصص در جایگاه مدیریت یک مجموعه اجرایی قرار داشته باشد باور پذیر نیست و مات و مبهوت روش حکمرانی و مدیریتی کشور قرار می گیرد. شاید بتوان این نسل را نسلی شایسته سالار، جامعه محور و متحد عنوان کرد که نمونه آن را در اعتراضات مرتبط با مرگ مهسا امینی در خیابان ها، دانشگاه ها و مدارس کشور در تمامی سنین نسل Z مشاهده کردیم. آنها بیم و ترسی نداشتند و برای رسیدن به خواسته ها و حقوق شهروندی خود حتی جانشان را از دست دادند و هم نسلی های آنان برایشان به جای سوگواری نماد ساختند. دیدگاهی که نسل Y به آرامی از کنار آن عبور کرد و خواسته های خود را گردن زد جالب آنکه نسل Y با دیدن و مشاهده اخلاق، کردار، روش ها، فعالیت، خواسته ها و حرکت نسل Z متعجب و البته همراه است. حتی رسانه های بیگانه و دشمنان انقلاب اسلامی هم از برخی اقدامات جنزی ها در ایران متعجب شدند. دولت مردان ایران هم تصور نمی کردند جنزی ها توان به چالش کشیدن کشور را داشته باشند و تصور نمی شد اعتراضات مدنی به داخل مدارس ابتدایی هم کشیده شود. اما قدرت جنزی ها فقط به اعتراضات مدنی ختم نمی شود بلکه آنها انقلاب بزرگی را شکل داده اند که در ظاهر از چشم مسئولان





شماره: ۵
تیر ماه ۱۴۰۲

گزارش

ویژه میدان آزادی



**پس** از انتشار مصاحبه سید هادی کسایی زاده (روزنامه نگار) با سایت خبری انصاف نیوز و انتشار آن در تیتز یک روزنامه جمهوری اسلامی، سایت خبری الجزیره هم بخش های دیگری از اظهارات این روزنامه نگار تحقیقی در مورد بحران افغان ها در ایران را منتشر کرد. بسیاری از کاربران ایرانی از این اقدام روزنامه نگار دفاع کردند و برخی کارشناسان افغان این اقدام را نوعی اقدام ژورنالیستی و مسموم عنوان کردند و برخی همانند وزیر کشور (احمد وحیدی) هم واکنش نشان داده و با اعتراض به حضور ۵ میلیون مهاجر افغان آنها را تهدیدی عنوان نکردند. سید هادی کسایی زاده در مورد واکنش خود به این مصاحبه گفت: وقتی یک روزنامه نگار تحقیقی موضوعی را مطرح می کند افرادی که اطلاع و سواد کافی در مورد موضوع را ندارند نباید اظهار نظر احساسی داشته باشند. من یک بار دیگر به زبان بسیار ساده تر بیان می کنم تا منتقدان به درستی متوجه این بحران شوند. در سال ۱۳۸۹ بر اساس آمارهای رسمی جمعیت افغان ها ۳ میلیون نفر اعلام شد و در سال ۹۸ هم به گفته وزارت امور خارجه این عدد همان ۳ میلیون اعلام شد که غیر عادی است. چرا که در سرشماری اخیر اتباع فقط ۲ میلیون افغانی شرکت کردند و آمارهای میدانی چند برابر این میزان است به نحوی که وزیر کشور اخیرا در واکنش به مصاحبه اینجانب عدد ۵ میلیون نفر را اعلام کرده است. بر اساس آمارهای رسمی امروز بیش از ۷۰۰ هزار دانش بسیاری از روستاها مانند کبیر آباد، مچینا،آباد، اشرف آباد و … را تسخیر کردند و این روستاها خالی از شهروندان ایرانی است. حضور افغان های غیر مجاز که به صورت پنهانی از سوی قاچاقچیان انسان مستقیم از مرز به سمت بخش کهریزک منتقل می شوند مایای پلاستیکی را هم تقویت کرده به نحوی که زمین های کشاورزی در روستای قصر و اطراف کهریزک که در صورت غیر قانونی و مشهود برای تفکیک و تبدیل ضایعات پلاستیکی می کنند آن است که در سال ۹۸ افغان ها ۲ میلیون فرصت شغلی را در ایران اشغال کردند که این عدد امروز به ۳ میلیون فرصت شغلی خواهد رسید.



**قاضی اسدالهی**

معاون دادگاه کهریزک

## تشکیل پرونده ویژه بزرگترین گاوداری صنعتی

**معاون دادگاه کهریزک دستور تشکیل پرونده جنایت زیست محیطی گاوداری صابری را صادر کرد.**

### آقایان؛ ده آینده مجبور به دادن کرسی مجلس به افغان هانشوید

# آمارهای وحشتناک از افغان ها در ایران

**او که رد پای همفکر انش در پرونده شهید صارمی (خبرنگار ایرانی) مشاهده می شود امروز سکان افغانستان را در دست گرفته و به دلیل سوء مدیریت و تفکر آتش عامل قاچاق انسان و فرار افغان ها به سمت مرزهای ایران شده و خدا می داند چه در سر دارد؟ آیا قصد کشور گشایی دارد؟ یا فرار از مسئولیت؟**

تاسف آور آنکه افغان های شاغل در ایران سالانه حدود ۵ میلیارد پورو یعنی چیزی حدود ۲۸۰ هزار میلیارد تومان می شود. آمارهای می گویند که ۶ هزار زندانی افغان در زندان هادرم که بر اساس سرانه هر زندانی هزینه نگهداری آنها سالانه بیش از ۷۲۰ میلیارد تومان می شود و این هزینه برای دادگاه ها و دادسراهای ایران جهت رسیدگی به این پرونده ها بیش از ۵ تا ۵ میلیارد تومان می شود. البته در کنار این هزینه ها باید پارانه دولت بر مصرف انرژی، مواد غذایی، حمل و نقل، امنیت و غیره را هم اضافه کرد. لازم به ذکر است که حضور اتباع افغان غیر از هزینه بر بودن آنها برای دولت ایران آسیب های دیگری را هم به همراه داشته است. در سال ۹۳ تعداد ۱۰۰ فقره قتل از سوی اتباع رخ داده که این آمار امروز همراه با جرائمی همچون قاچاق مواد مخدر، سرقت و جرایم علیه اشخاص افزایش داشته است. امروز شهروندان تهرانی، اصفهانی و مشهدی بیشتر از سایر استان های کشور شاهد هجوم فرزنان افغان در سرچهارراه ها برای تکدی گری هستند. کودکان کاری که بعضا مورد تعرض جنسی یا خشونت قرار گرفته و بسیاری از آنها بیماری های خاص مانند ایدز دارند. بعنوان یک روزنامه نگار تحقیقی و میدانی اعلام می کنم که در جنوب تهران مانند بخش کهریزک و حسن آباد فاشوفیه افغان های کلونی های گسترده و منسجمی ایجاد کردند و آماری تقریبی به عقیده من بیش از یک میلیون نفر است. آنها با گستردگی زیاد بسیاری از روستاها مانند کبیر آباد، مچینا،آباد، اشرف آباد و … را تسخیر کردند و این روستاها خالی از شهروندان ایرانی است. حضور افغان های غیر مجاز که به صورت پنهانی از سوی قاچاقچیان انسان مستقیم از مرز به سمت بخش کهریزک منتقل می شوند مایای پلاستیکی را هم تقویت کرده به نحوی که زمین های کشاورزی در روستای قصر و اطراف کهریزک که در صورت غیر قانونی و مشهود برای تفکیک و تبدیل ضایعات پلاستیکی می کنند آن است که در سال ۹۸ افغان ها ۲ میلیون فرصت شغلی را در ایران شغل کردند که این عدد امروز به ۳ میلیون فرصت شغلی خواهد رسید.

یک نفر از افغان های شاغل در ایران

یک نفر از افغان های شاغل در ایران

**پس** صبح روز سه شنبه ۲۷ تیرماه ۱۴۰۲ بر اساس گزارش های مردمی مبنی بر بوی بددر اطراف روستای قصر آباد کهریزک سید هادی کسایی زاده مدیر مسئول و سردبیر ماهنامه میدان آزادی اقدام به گشت زنی برای پیدا کردن مشاوبی بلد شد. در این گشت زنی متوجه شد که مردوخانه ای مملو از پساب یک گاوداری صنعتی (گاوداری صابری) که از سوی آن به زمین های کشاورزی حاشیه روستا هدایت می شود پس از فیلم برداری و تعقیب منشرل و دخا فاضلاب به درب گاوداری رسید. پس از تهیه گزارش به سوی دادگاه کهریزک رفت و موضوع را به ناصر پیرسرایلی رئیس دادگاه و قاضی اسدالهی معاون دادگاه و رئیس شعبه ۱۰۲ گزارش کرد. با هماهنگی قاضی اسدالهی با کارشناس محیط زیست شهرستان ری به همراه خبرنگار به سمت محل حادثه حرکت کردند که تمامی شواهد ثبت و ضبط شد و قاضی دستور تشکیل پرونده داد سید هادی کسایی زاده سر دبیر میدان آزادی گفت: هر چند قاضی اقدام به تشکیل پرونده کرده اما از آنجائیکه گاوداری صنعتی صابری با هزاران رأس گاو شیرده بخشی از شیر مورد نیاز شرکت های دولتی را تامین می کند. قطعا قاضی برای صدور توقیف و پلمپ گاوداری مستثنی بسته است و مسئولان به اسم تولید ملی فشار سیاسی می آورند. این موضوع آفت مبارزه با اقدامات ضد محیط زیستی است و دست قضات را می بندد. خبرنگار ضدفساد گفت: حضور قاضی دادگاه کهریزک در کنار روزنامه نگار تحقیقی جای تقدیر و تشکر دارد و نشانه سلامت کار و حساسیت موضو ع

روز ۱۷ مرداد به علت شهادت محمود صارمی در سال ۱۳۷۱ به دست طالبان در سفارت ایران (مزار شریف) بعنوان روزخبرنگار در تقویم نامگذاری شد. روزی که بیشتر به نهداینه شدن همکاری گروهی از خبرنگاران و رسانه ها از سوی برخی مسئولان حکایت دارد. به مناسبت این روز برخی از خبرنگاران و فعالان رسانه در گفتگو با ماهنامه میدان آزادی دغدغه هایی را بیان کردند که صبر فابری به یاد کار ماندن در تاریخ مطبوعات ایران منتشر می شود. روزنامه نگاران و خبرنگارانی که بسیار در دادگاه ها حضور دارند.

**\*علی اصغر شفیعیان، مدیر مسئول انصاف نیوز:** متأسفانه قانون مطبوعات در کشور مان مآلک نیست و آنکه پشت میز می نشینند. قانون خودش را اجرا خواهد کرد. برای همین در پرونده هایی که علیه «انصاف نیوز» تشکیل می شود نمی توانم وکیل اختیار کنم چون کاری از دست او ساخته نیست. معمولا وکیل وقتی ورود می کند که قوانین به درستی اجرا شوند. برای همین تلاش می کنم خودم از خودم در دادگاه ها دفاع کنم. بیشترین شکایت ها از من به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی است. یعنی دقیقاً همان چیزی که وظیفه رسانه است. عملاً رسانه باید اذهان عمومی را تشویش کند و مردم و مدیران را تحریک کند. به اینکه چنین رخدادی افتاده یا در حال وقوع است. وقتی هم مطلبی می زنم، یعنی مأموق بوده اما کاهی مارک فیزیک نیست و ماقطع ریخ می دهیم و آقایان باید بررسی کنند. اما ما تمهم به نشر اکاذیب و تشویش اذهان می شویم. در یکی از پرونده ها یجرم لطمه به قانون اساسی ما را پای میز محاکمه کشاندند که جالب بود (قوانین من در آوردی) در این سالها حدود ۵۶ شکایت از رسانه من شده که در برخی شکایت ها چنانچه داد با هم علیه من شکایت کردند. از این میان بیش از ۹۰ درصد منع تعقیب خوردم علت آن است که برخی شکایت ها واقعا بی مورد و بی جا است چون دادرسای فرهنگ و رسانه در این کار تخصص دارد اما ۵ پرونده را دادگاه رقت و محکوم نشدم. اما گاه برای اخباری تهدید می شویم. مثلاً شرکت بادران خیلی مارا تهدید کرد اما اعلی رغم گزارش های ما هیچ نهایی توجه نکرد. در برخی هم برای پس گرفتن شکایت خود دست به اخذ می زنند. مثلاً یک شرکت برای پس گرفتن شکایت درخواست کرد برای آنها خبرها و آگهی هایی را منتشر کنیم. اسناد فساد زیادی دست ما می رسد اما چون هیچ نهاد نظارتی با ما همکاری نمی کند نمی توانیم گزارش های فساد را راستی آزمایی کنیم. امروز مادر کشور مرجع خبر نداریم و این آسیب است. در ایام رویدادهای مرتبط با مرگ مهسا امینی دستور آمد خبری منتشر نکنیم و این درد بود. این همه توصیه نامه برای رسانه ها درست نیست و خارج از آزادی مطبوعات است. موافق نمایمشگاه مطبوعات هستم. اما نه نمایشگاهی که غرغ دولتی هادرشت تر و جلوتر باشد. به آنها ۱۲ متر فضا با میز فقط داده شد… همین

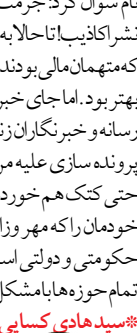
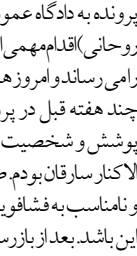
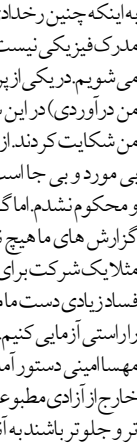
**\*حسن عباسی خبرنگار آزاد:** پرونده های مهمی که اخیر افشاء کردم سازمان بنادر، منطقه آزاد، مشکلات حوزه در زمانی، فساد گسترده در معادن کرمان خصوصاً کهرزمن، برت است سازمان بازرسی و دیوان محاسبات و سایر ضابطین در علم پیگیری مفاسد، پشت پرده های رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس، مافیای آب و غیره بود. ماهانه چندین شاکی از نقاط مختلف کشور دارم. دادگاه مطبوعات زیاد رقت با حال هم هیچ حکومتی نداشتم و در استان های مختلف بلندترین بر خود را در دادسرا تجربه کردم از بازداشت های غافلگیرانه تا بازداشت موقت های یک هفته ای غیر قانونی، فیلتر بنگ سایت و قرارهای سنگین که موجب تاسف است. اگر نماینده مجلس بودم «آزادی بیان» و «بعد از بیان» را تضمین می کردم و فعالیت تمام خبرگزاری و سایت های حکومتی، دولتی و خبرنگاران ولست به آنها را غیر قانونی اعلام می کردم چون باعث سبقت و عقب ماندگی کشور شدند. باعث شدند که قشر حاکم جامعه دچار توهم شوند و در دنیای مجازی بسر بپرند و واقعیت ها و راحل ها را نبینند. کاش وزارت ارشاد دست از حذف خبرنگاران با این شیوه مدیریتش برداشت.

**\*علی غفاریان مدیر مسئول صراط نیوز:** گزارش ها و اخبار زیادی را منتشر کردم که بسیار تاثیر گذار بوده اما پس از ۱۶ سال کار رسانه ای باید اعتراف کنم که دیگر رسانه ها تاثیر گذار نیستند و مسئولان دیگر در برابر افشای فسادها و تخلفات بی خیال (سر) شدند یعنی چه منتشر شود یا نه جسد نمی دهد. مسئولان هم می دهند. متأسفانه در برخی پرونده ها جای اینکه رسانه و خبرنگار در دادرسای رسانه و دادگاه مطبوعات رسیدگی شود شاهد هستیم دادگاه های عمومی هم ورود می کنند و زمانی که عدم صلاحیت دادگاه را درخواست می کنیم گاه اعمال نمی کنند و این یک چالش است. مثلاً در یکی از پرونده ها با شکایت محسن رضایی

پرونده به دادگاه عمومی رفت. در دوره آقای حسین انظمی (معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد دولت حسن روحانی) اقدام مهمی انجام شد. کمیته فیلتر بنگ رسانه ها به نوعی حذف شدند. این قدرت یک معاون مطبوعاتی را می رساند و امروز هم چنین قدرتی را نیاز داریم تا رسانه و خبرنگار قربانی دادگاه های غیر متخصص نشوند. چند هفته قبل در پرونده ای بازداشت شدم و من را به زندان تهران بزرگ منتقل کردند. الحمدلله لباس و پوشش و شخصیت من موجب شد تا در شب بازداشت در اداره آگاهی شاپور در فضای مناسب تری بایتم و الا کنار سارقان بودم صبح روز بعد با دستبند در کنار قاتلان، معتانان و سارقان با توبوسی کاملاً محصور شده و نامناسب به فشافویه منتقل شدیم. حالم خیلی بد بود و باورم نمی شد جایگاه یک روزنامه نگار و خبرنگار این باشد. بعد از بازرسی بدنی به شیوه خاص، عکس، کارت و پلاک، حمام و تعویض لباس ها مسئول ثبت نام سوال کرد: جرمت چیست؟ تصور می کرد من مثل همه سارق هستم. گفتم: تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب! تا حالا به گوشش نخورده بودو تعجب کرد و گفت یعنی چی؟ و توضیح دادم از شناس مابه اتاقی که متهمان مالی بودند منتقل شدم. در حال چون در آن اتاق همه وضع خوبی داشتند و وضعیت غذا و رسیدگی بهتر بود. اما جای خبرنگار زندان نیست. به اعتقاد من آقایان مسئول زیاد بدشان نمی آید جایگاه مدیر مسئول رسانه و خبرنگاران زندان باشد. ما حتی قانون هم داشته باشیم کسی اجرا و نظارت نمی کند. در این سالها کلی پرونده سازی علیه من شد که تصور می کنم یک اداره زیرزمینی برای پرونده سازی علیه رسانه ها داریم. من حتی تکک هم نخوردم. امروز کارت خبرنگاری و مدیر مسئولی هیچ اعتباری ندارد و حتی دادگاه مجوز رسانه خودمان را هم که وزارت ارشاد دارد برای کفالت قبول نمی کند. به اعتقاد من حیات رسانه دست رسانه های حکومتی و دولتی است که هم دست در خزنه دارند و هم اطلاعات را در اختیار دارند. همین موجب شده در تمام حوزه ها با مشکل مواجه شویم.

**\*سید هادی کسایی زاده روزنامه نگار و مدیر مسئول ماهنامه میدان آزادی:** تصور می کنم ۱۵ روز در سلول افرادی زندان اوین به اتهام افشای فساد و سوء مدیریت بانک سرمایه و رئیس وقت بانک مرکزی و پرونده سازی حفاظت اطلاعات قوه قضائیه در دوره قبل خاطره خوبی برای تعریف کردن باشد. اما وقتی به دلیل افشای فساد انتخابات و سوء مدیریت ها در جنوب تهران علیه من پرونده سازی شد و در توالث کلاتری شهرداری بدون غذا حبس شدم و ۵ روز به زندان تهران بزرگ منتقل شدم فهمیدم که در جمهوری اسلامی ایران کربان شب خبرنگاری می بینم. این شغل جایگاهی ندارد. همه می خوانند فقط مجیزشان را بگوئیم و گزارشگری ضدفساد و رکن چهارم دموکراسی همه کشک و دوع است. البته دیر فهمیدم. کاش روزی که با فشار قوه قضائیه از خبرگزاری مهر اخراج شدم می فهمیدم. باوقتی که به دلیل افشای تخلفات رئیس

روزنامه نگار ایرانی



روزی که با فشار قوه قضائیه از خبرگزاری مهر اخراج شدم می فهمیدم. باوقتی که به دلیل افشای تخلفات رئیس



گزارش روز خبرنگار در ایران

# جرم: تشویش اذهان مسئولان!

وقت تعزیرات کشور و انتشار برخی پرونده های فساد در خبرگزاری موج این رسانه را فیلتر کردند و من به شلاق محکوم شدم می فهمیدم. یاروزی که به اتهام عکس سفلی با یک گاو بیژن قاسم زاده برابم قرار صادر کرد متوجه می شدم. شمارش شکایات علیه من بی شمار است و سامانه ثنا من شاید بیش از صدها پرونده را نشان دهد. امروز که کتاب آموزش خبرنگار حرفه ای من بین خبرنگاران جوان دست به دست می شود افتخار می کنم که آنها از تجریبات تلخی که داشتم عبرت بگیرند. به اعتقاد من فساد در بدنه دولت و به ویژه شهرداری ها و دهیاری ها در شهرستان ها به صورت شبکه ای بهم طینده است. اگر خبرنگاری در شهرستان بخواد حرفی بزند طوری سرش را زیر آب می کنند که دیگر هوس خبرنگاری به سرش نزنند. من پوست کلفت بوده ایمان اعتقاد و عشق به کار دارم که ماندم و الا بسیاری از همکارانم از این حرف خنداختگی کردند. وقتی خبرنگاران حرفه ای از رسانه بروند برخی لمپن ها، مجاز، گویا، پوستر جسیبان های ستادهای انتخاباتی یا افرادی به سواد از رسانه وارد می شوند و بدون زورمه و سابقه به آسانی با قانونی اشتباهه مدیرمسئول یا سردبیر و خبرنگار خواهند شد. نمونه آنها برای تون در برخی خبرگزاری ها رسانه های دولتی، حکومتی و رسانه ملی مشاهده کرد. راهکار برون رفتی وجود ندارد. هم باید قانون مطبوعات اصلاح شود و هم باید قانون انتخابات تغییر کند تا به جای افراد عام عمو ما خواص نخبه و درای اندیشه و لاد مجلس قانونگذاری ایران شوند. آن وقت مطمئن خواهیم بود که هم قانونی خوب هم بنظرات درستی بر دولت ها خواهد بود. مثل داستان افشای انتشار فیش حقوقی مالک شریعی نماینده تهران در مجلس که کار غیر قانونی نکردم اما فشار آوردند که از کجا آوردی؟ به شما چه ربطی دارد؟ من باید سوال کنم نه شما!.. (فهم) و در وزارت اطلاعات بازجویی شدم. حرف برای گفتن زیاد است که معمولاً در کلاس های آموزش خبرنگاری یا صفحه مجازی ام می گویم. روزخبرنگار را به خبرنگاران حرفه ای تیریک می گویم.

**\*هادی حدیدی روزنامه نگار، نقاش و کار نویسند مطبوعاتی:** به واسطه فیلتر بنگ سانسور و نظارت های بی حد و حصر و وجود مراجع متفاوت در امور فرهنگ و به خصوص بخش اطلاع رسانی و روزنامه نگاری، خطرات زیادی را متوجه خبرنگاران و روزنامه نگاران ایرانی کرده است. مابه عنوان روزنامه نگار به طور مشخص نمی دانیم باید به چه نهادهای پاسخگو باشیم. هر نهادهای دارای بخش نظارتی مربوط به خود و ابزار های کنترل گر و محدود کننده خود هستند که روزنامه نگاران باید به همه پاسخگو باشند که همین فشار را بر روزنامه نگاران افزایش می دهد. من با حذف رسانه های دولتی و حکومتی موافق نیستم. به هر حال نهادهای سازو منهای دولتی و رسمی هم برای انتشار اخبار و عملکرد خود نیاز به رسانه دارند. اما اعتقاد دارم باید موقعیت ها و امکانات برابر بین رسانه های دولتی و خصوصی ایجاد شود. بر خورداری رسانه های حکومتی از هزاران رالت و در مقابل خیلی بودن دست رسانه های خصوصی یا منتقدان باعث بی تعالی و خسارت روزنامه نگاری در کشور می شود. این نظر من هیچ رسانه شاخصی در حوزه کارتون و کاریکاتور نداریم. فقط در برخی روزنامه ها ستون کارتون وجود دارد. تعطیلی مجله گل آقا تبریدار تمام عرصه های رسانه ای تکرار شد و فقط مختص طنز و کاریکاتور نبود. از طرفی مدیران روزنامه ها ریسک انتشار کارتون های روزانه را در صفحات روزنامه ها کمتر می پذیرند و بضاعت و استطاعت مالی هم شاید نداشته باشند. در حال حاضر فقط روزنامه مستقل «هم مهن» ستون روزانه کارتون های تولیدی دارد.

کار نویسند مطبوعات دیدبان عمل می کنند و روی تارک خانه ها چراغ می اندازند. یا خاموشی چراغ این منتقدین مشوق و صادق در سپهر رسانه ی کشور، فساد در جای جای نهادها و سازمان ها رخنه کرده و ریشه ها را از پایه می جود و باعث فرو ریختن جامعه می شود. برای مسئولین این یک هشدار است که باید فضایی تقدار گسترش دهند، سطح انتقاد پذیری را بالا بیازند و اجازه دهند که این منتقدین صادق و وظیفه خور انجام دهند. این هادلسوزان کشور هستند. وقت کنید که اینها همه ی فشار ها در طن خودشان مانند داد دارند.لسوزانه کار می کنند. در مورد من اطلاعات سپاه و قرا گاه الله اران، من شکایت کردند. شاید بتوان گفت در این شکایت، حکم قضایی من در این مطبوعات طنز و کاریکاتور و مزاح به پایک کاریکاتور است و مورد انتقاد شده در حکم تعجب برانگیز است. بسیاری از این موارد ذکر شده در پرونده بانث کارتون ها و کاریکاتور هایی بود که از من در رسانه های رسمی کشور تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شدند. که در زمان چاپ خود هیچ شکایتی را در پی نداشتند. اما برای سنگین تر کردن پرونده من همه ی آنها را در این پرونده جا دادند. دو سال قبل، سه شکایت از سوی شخص آقای «قلیاب» شد و دو شکایت از طرف مدعی العموم بود که پس از بررسی در دادسرای رسانه قرار منع تعقیب صادر شد. باورم این است که مایک جور دچار یک بی دینی هستیم و روند امور آدم احساس میکنه که سلمان درست و حسلی ندارد و یک تشویش و آشفنگی آدم در امور می بیند و شاید بی دولتی کلمه ای باشد که می توانم من اطلاق کنم. در جامعه الان شما بیند جقدر سر خوردگی اجتماعی بالاست جقدر ما آمار مهاجرت نخبگان را داریم و جقدر آمار خودکشی ها در افزایش پیدا می کند. سر خوردگی ها اینها و قعاهمه به ضرر کشور است. من که نمی توانم به عنوان شهر وند عادی بگویم که کدام یک از روسای جمهور موفق بودند. چرا که این موارد بر اساس آمار و ارقام باید تعیین کرد. آمار و ارقام وجود دارد و می شود به آن مراجعه کرد و بر اساس آن فهمید که کدام یک از دولت ها بهتر بوده و تورم در کدام یک از دولت ها پایین تر و نشاط اجتماعی امید به آینده در کدام یک از ادوار های مختلف بالا بوده و سطح روابط بین المللی کشور در کدام دوره گسترده تر بود و در کدام از ادوار ریاست جمهوری ما احترام بیشتری در میان کشور های متعدد دنیا داشتیم این ها همه آمار و ارقامش موجود است.

**\*زه ره بهیودی روزنامه نگار استان خراسان رضوی:** همیشه شجاعت و جسارت و البته هیجان خبرنگاران تحقیقی و البته

عدالت خواه نظرم را جالب کرده داد و سعی کرده ام بدون ترس از قدرت ها در مسیر منافع مردم حرکت کنم. اگر حمل بر خود بیسنی نگذارید به نظرم روزنامه خراسان در تمام این سالها مردمی تر عمل کرده یا اینکه سمت و سوی حزبی خاص خودش رو دارد سعی کرده در تمام زمینهها صدای مردم باشد و مثل رسانه های چپی و راستی دیگر افراط و تفریط نداشته باشد. متأسفانه ما شاهد هستیم که بعضی از این رسانه ها به نام برای سستی که هستند حاضر به انتشار دروغ های شاخدار شوند که به شعور مخاطب توهین می شود. به عقده ام: خبرنگار محلی به دلیل نهبودن در شهرستان است به تمام وظف است تمام علوم تسلط نسبی داشته باشد

تا بتواند درک مفیدی از حرف مسئول و درد مردم ارائه دهد. زمره کلات در سال ۹۸ مطلبی درباره وضعیت نامناسب اورژانس و پزشکی قانونی کلات از طرف مردم منتشر کرد که در آن کم کاری یکی از پزشکان اشاره شده بود که مدتی بازداشت بود و با فشار رسانه ای آزاد شد. او از روزنامه نگاران محلی است که به صورت حرفه ای و شجاعانه در روزنامه خراسان و رسانه های محلی کاری کند.

روزنامه نگار ایرانی

روزنامه نگار ایرانی

روزنامه نگار ایرانی

روزنامه نگار ایرانی



ماهنامه سراسری میدان آزادی  
(اجتماعی-سیاسی)

شماره: ۵  
۳۱ تیرماه ۱۴۰۲  
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:  
سید هادی کسایی زاده  
چاپخانه: آیین چاپ

**خبرنگار، طراح و سردبیر:**  
**سید هادی کسایی زاده**

آدرس:  
تهران-خیابان آیت الله کاشانی-خیابان  
بهنام-کوچه بهنام سه-ساختمان پارسیه  
واحد ۴-تلفن: ۰۹۱۲۶۵۰۱۵۶۴

پیگیری پرونده ۵۰ هزار میلیاردی شرکت دامگستر

## گاوها فساد نمی کنند



با عذر خواهی از جایگاه گاوها

دهند. محمد نوری یکی از دامداران قدیمی که نام او در افشاکنندگان این فساد دیده می شود در گفتگو با سید هادی کسایی زاده (خبرنگار ضافساد) می گوید: یک مرتبه به اعداد توجه و خیره شدم و دیدم عدد ۶ با عدد دیگر ۶ فونت متفاوتی دارد. به سرعت به اداره مالیاتی رفتم و اصل تراز مالی شرکت را گرفتم و دیدم تقلب شده است. اما قاضی نپذیرفت و پاسخ روشنی نمی داد.

**\*تقلب تأیید شد اما قاضی پرونده را سه سال نگه داشت**

به دفتر آقای خطیب رئیس وقت حفاظت اطلاعات قوه قضائیه رفتم و دستور دادند حفاظت اطلاعات استان تهران پیگیری کند لذا کارشناس ۵ نفره برای بررسی پرونده تعیین شد. کارشناسان تقلب را تأیید کردند اما در کمال ناباوری دادگاه فشافویه تا ۳ سال رای صادر نکرد و پرونده را مفتوح نگاهداشت. انتظار ما موجب شد تا قاضی تغییر کند اما در نهایت رای پرونده به نفع شرکت در ری صادر شد و جالب اینکه دادگاه تجدیدنظر استان تهران هم رای را تأیید کرد.

**\*ورود اطلاعات جنوب تهران به پرونده ۵۰ هزار میلیاردی**

حالا زمین ۵۰ هزار میلیاردی که از کف ما بیرون رفته بود. یکی از کارهایی که انجام می دادم این بود که همزمان با کارهای دادگاهی گزارشات فساد را به سپاه و اطلاعات جنوب هم گزارش می کردم چون امید داشتم مسئول سالمی پیدا شود. که خوشبختانه نتیجه داد و سرانجام گمنام امام زمان (عج) در اطلاعات جنوب سوار بر پرونده شدند و حبیب الله نجفیان در سال ۱۴۰۰ به اتهام زمین خواری بازداشت شد و پس از مدتی با قید وثیقه سنگین آزاد شد. هم اکنون پرونده در دادسرای رسیدگی به جرائم اقتصادی در حال بررسی است. نوری در ادامه این مصاحبه مستندات را ارائه می کند که نشان می دهد دو خبرنگار (زن و شوهر) صدهکتار زمین گرفتند و جالب اینکه یکی از این خبرنگاران در رسانه ملی کار می کند و به نفع نجفیان گزارش می زد. این دو خبرنگار به طور غیرقانونی اقدام به ساخت و ساز در اراضی دامداری می کنند و از سوی بخشدار وقت تخریب می شود. این اقدام برای نوری (افشاگر پرونده) و هادی حسینیخانی بخشدار حسن آباد تبعات در برداشت تا جاییکه این دو خبرنگار از آنها شکایت می کنند. و باز پرس قرار منع تعقیب برای بخشدار و نوری صادر می کند. این پرونده همچنان در دست بررسی است اما گاوها فساد نمی کنند بلکه این انسان های طمع کارند که به لقمه حرام خو کرده و بدون از ایمان و اعتقاد به خدا و معاد روی زمین فساد می کنند. انشا الله رسوا شوند.

خردادماه ۱۳۷۹ شرکت سهامی «دامگستر» با ۲۰۰۰ هکتار زمین از فردی به نام حبیب الله نجفیان که مدیریت شرکت «در ری» را برعهده داشت مبلغ ۱۲۰ میلیون تومان در سال ۷۹ طی توافقنامه ای استعراض می کنند و قرار می شود سه ماهه پول بازگردانده شود. (این نکته را باید تامل کرد که چرا شرکت دامگستر با شرکت «در ری» وارد بازی مالی شد و چرا کاری کرد که به این شرکت بدهکار شود؟) با دریافت این پول از شرکت «در ری» دولتی ها یک فقره چک برای ضمانت تقدیم کرده و اسناد پلاک ثبتی اراضی دامگستر را به رهن شرکت در می آورند. این اقدام دامگستر در حالی بود که بر اساس اساسنامه هرگونه اقدام برای در رهن قرار دادن زمین مستلزم رای مجمع عمومی بود و کار دولتی ها غیرقانونی محسوب می شود. پس از این شیرین کاری دولتی دو شرکت «جهادنصر» و «جهاداستقلال» به دلیل سوء مدیریت رسماً در سال ۱۳۸۲ از هیات مدیره و سهامداری دامگستر خداحافظی می کنند و با دستور سعیدی کیا وزیر وقت جهادکشاورزی مقرر می شود یک شرکت تعاونی تشکیل شده و تمام سهام ۲۰۰۰ هکتار زمین به نام دامداران (۲۲۶) واحد) منتقل شود.

**\*وقتی نجفیان اسناد رهنی را به نام خود می کند!**

نکته قابل تامل در این پرونده دو شرکت «جهادنصر» و «جهاداستقلال» طی صورتجلسه ای از حبیب الله نجفیان مدیر شرکت «در ری» تعهد می گیرند که با دریافت تمام بدهی خود از دامگستر، اراضی در رهن را آزاد کند و پس از پرداخت بخشی از بدهی نجفیان اقدامی برای آزادی اراضی نمی کند. نجفیان با هوشمندی بسیار حدود ۶ سال صبر می کند تا آب ها از آسیاب بیفتد و در اقدامی عجیب و باورنکردنی با هماهنگی سردفتر اسناد رسمی ۴۵ شهاریار در سال ۱۳۸۸ سند رهنی زمین را (به وسعت ۹۰۰ هکتار) به نام شرکت «در ری» می کند. و دقیقاً فردای همان روز ۷۰ هکتار از اراضی را به نام شرکت «آرادکوه فشافویه» به صورت رهن ۲۵ ساله منتقل می کند که این زمین ها دقیقاً همجوار با سد شهیدکلاتری تاملین کننده آب دامداری ها است. و از همه مهمتر آنکه تغییر کاربری های گسترده ای در زمین های تصاحب شده رخ می دهد.

**\*افشای تقلب در اسناد مالیاتی شرکت در ری (نجفیان)**

دامداران پس از چند سال متوجه می شوند که زمین از کف داده اند و در سال ۱۳۹۵ رسماً از نجفیان به دادگاه فشافویه شعبه ۱۰۱ (قاضی مهدی اروغنی) شکایت می کنند. جالب آنکه کارشناسان رسمی دادگستری بابت شکایت زمین خواری نجفیان، حق را به شرکت «در ری» می

تیزهوشی و اقدام به موقع  
سربازان گمنام امام زمان (عج)  
در اطلاعات جنوب تهران  
موجب شد تا پرونده ای که در  
حال رفتن به قفسه بایگانی  
و خمیر شدن بود دوباره به  
جریان بیفتد و عامل اصلی  
بازداشت و تحت تعقیب  
قضایی قرار بگیرد. پرونده ای  
که آنقدر حاشیه دارد که باید  
سران قوا وارد شوند.

کهریزک بعد از زلزله ۶ یا ۷ ریشتری به بالا احتمال فرو ریختن کامل را دارد.

**\*اقدامات طلایی معاون شهردار کهریزک برای پیشگیری از بحران**

محمد بابایی معاون شهرسازی شهرداری کهریزک در گفتگو با میدان آزادی با توجه به اهمیت مقام سازی ساختمان ها و جلوگیری از رانت و فساد در ساخت و ساز مسکن در مورد عملکرد خود در چند ماه اخیر می گوید: مهمترین اقدامی که انجام دادم فعال کردن دوباره کمیسیون ماده ۱۰۰ و بررسی ۳۵۰ پرونده عقب افتاده بود و ساماندهی نیروی انسانی هم در دستور کار قرار گرفت اما از همه مهمتر تصویر برداری از تمامی پرونده های شهرسازی (۲۰ هزار پرونده) بود تا بتوانیم آرشینو الکترونیکی از وضعیت موجود داشته باشیم. بابایی گفت: یکی از اقدامات خوب شهرداری کهریزک تقویت نظارت ویژه بر ساخت و سازها بود. حتی با شناسایی مهندسان ناظر به سرعت مهندسانی که نظارت های درستی نداشتند را شناسایی و آنها را با هماهنگی نظام مهندسی از چرخه خارج کردیم. علت این همه حساسیت افزایش ساخت و ساز در پهنه شهر کهریزک و قرار گرفتن بخشی از شهر روی خطرناک ترین گسل زلزله است. برای همین در اقدامی ویژه و تخصصی و با هماهنگی سازمان نظام مهندسی آزمایشات برای صدور مجوزها (خاک، بتن و ...) را سختگیرانه تر و بیشتر کردیم. همچنین برای اینکه مالک ساختمان بداند باید به فکر پیشگیری از بحران باشند مهر قرمز رنگی را روی پروانه ساختمانی می زنیم که نشان می دهد این خانه روی گسل زلزله قرار دارد. بابایی با تقدیر و تشکر از علی کلهر شهردار کهریزک گفت: تمامی این اقدامات با حمایت ها و مدیریت شهردار و همچنین نگاه ویژه بخشدار کهریزک و فرماندار شهرستان ری محقق شده است. اظهارات محمد بابایی و شیرینی زاد نشان می دهد که اگر شهرداری و دادگاه کهریزک فکر اساسی برای بهسازی و مقام سازی ساختمان های ساخته شده و در حال ساخت نداشته باشند در زمان بحران فاجعه جبران ناپذیری رخ خواهد داد.



حمید شیرینی زاد مهندس عمران و از کارشناسان مطرح بخش کهریزک در گفتگو با میدان آزادی می گوید: نقشه گسل کهریزک بر اساس تغییر شکل فیزیکی و شیمیایی زمین اتفاق افتاده و مشهود روی زمین است. در تفاوت مطرح شدن گسل منشاء و نیواران با



کهریزک می توان بخشی را مربوط به بحث تبلیغات و اقدامات رسانه ای دانست اما از نظر علم زلزله شناسی، گسل کهریزک جزو گسل های مهم تهران شناخته شده و مطالعه بر روی این گسل هم اکنون در حال انجام است. دستگاه لرزهنگاری در نزدیکی های گسل در کهریزک هم موجود است که حدود ۲۵ سال پیش در کنار کلاتری نصب شده و اخیراً پژوهشگاه زلزله با توجه به طرح ملی زلزله در مکان های دیگر کهریزک و شهرستان ری اقدام به نصب دستگاه زلزله نگاری و کنترل حرکت های زمین کرده است. با توجه به انبوه ساخت و سازها در کهریزک و تبدیل شدن این شهر به بهشت ارزش افزوده در سرمایه گذاری بخش مسکن و هجوم مهاجران به این بخش، به شهرداری کهریزک پیشنهاد می دهم یکی از ماموریت های شناسایی ساختمان های نوساز و نیازمند به بهسازی لرزه ای باشند. بدون شک ساختمان های بالای ۴ طبقه که قبل سال ۹۷ ساخته شده باید رسیدگی شوند و بعد از مقاوم شدن مردم بتوانند با خیالی آسوده به حیات خود ادامه دهند. همچنین مالکین آن ساختمان ها را باید ملزم به رعایت ضوابط و مقررات کرد و اگر مالکین نپذیرند از طریق دادگستری اخطاریه به آنها صادر شود. چراکه حدود ۶۰ درصد از ساختمان های احداث شده در شهر

**مهر قرمز بر  
روی سند  
خانه های  
کهریزک**